

# بررسی واکنش‌های بین‌المللی در مورد جنگ آمریکا علیه صدام حسین



سپیده پورآقایی

آن روز که آمریکا و متحدانش به طور مشترک و متفق القول تصمیم به مبارزه جهانی علیه تروریسم گرفتند و در کنار هم نقشه حمله به افغانستان تحت سلطه تروریست‌های متعصب طالبان و القاعده را می‌کشیدند، شاید کسی تصور نمی‌کرد، روزی برسد که این پیوند سیاسی، تا این حد بر سر مسأله عراق شکننده و بی‌ثبات شود.

چه کسی پیش بینی می‌کرد روزی برسد که فرانسه، آمریکا را تهدید به وتوی قطع‌نامه پیشنهادی از سوی این کشور نماید. فارغ از منافع و مقاصد سیاسی پشت پرده و حتی منافع اقتصادی در پس این مخالفت‌ها و ادعاهای صلح‌دوستی برخی دولت‌های مخالف جنگ، آنچه بیشتر مورد نظر این جانب است، پیدایش دو دیدگاه متفاوت نسبت به مقوله امنیت جهانی است که در حال حاضر به وجود آمده است.

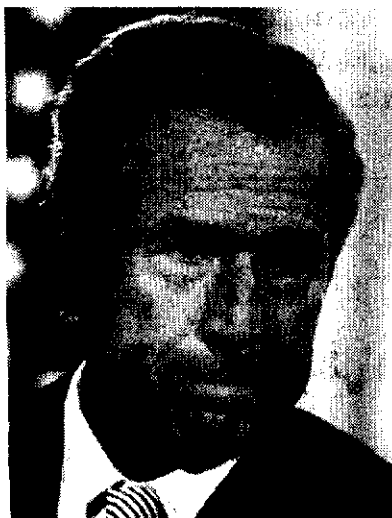
در ابتدا به دیدگاه اول که متعلق به مخالفین جنگ است می‌پردازیم. طرفداران این نظریه، بیش از همه نگران برهم خوردن شدید تعادل قدرت در جامعه بین‌الملل هستند که روند آن پس از جنگ سرد آغاز شده است. ترس ناشی از ایجاد نظام تک‌قطبی در جهان، مخالفین جنگ را بر آن داشته که به سایر جهانیان نشان دهند که ایجاد چنین نظامی خود به خود توازن بین‌المللی در جهان را برهم می‌زند و سنگین شدن وزنه یک طرف موجب به خطر افتادن امنیت جهانی است؛ زیرا تا زمانی که ثبات و تعادل و جای برای چانه زنی در موقعیتی برابر در عرصه روابط بین‌الملل وجود دارد، امنیت و صلح جهانی نیز تضمین خواهد شد.

از طرف دیگر آنها می‌گویند دخالت یک یا حتی چند قدرت در سایر نقاط دنیا، به غیر از برهم زدن ثبات منطقه‌ای، موجب تداوم این سیاست نامیمون و گشایشی تازه برای براندازی حاکمیت دولت‌ها به هر قیمت، حتی با استفاده از زور می‌باشد و ممکن است هر دولتی که تداومش به مذاق قدرتمندان خوش نیاید، در معرض تهاجم قرار گیرد.

آنها معتقدند که حتی در صورت درگیری میان کشورهای هم‌مرز، دول قدرتمند جهان به جای دخالت مستقیم می‌بایست تنها نقش میانجی‌گری دیپلماتیک برای ایجاد سازش را ایفا کنند و هیچ کشوری حق ندارد به بهانه به خطر افتادن منافع ملی



استقرار نظام‌های  
جایگزین دموکراتیک  
کشورها در درجه اول  
باعث رهایی یک ملت از  
بند حاکمان سرکش و  
دیکتاتور می‌شود و از  
سوی دیگر قدرت مانور  
تندروها و تروریست‌ها  
را به حداقل می‌رساند



خود بر اساس تفسیری یک طرفه و یک جانبه، جامعه بین الملل را نادیده بگیرد و در صدد تحقق اهداف خود در هر شرایطی و با هر وسیله ای برآید. چرا که در این صورت تنها آنکه از توان بیشتری برخوردار است فارغ از محق بودن یا نبودن، قدرت مانور مطلق به دست خواهد آورد که همین امر خود به خود امنیت جهانی را بر هم خواهد زد و حتی منافع ملی و بین المللی سایر قدرت ها را به خطر خواهد انداخت.

آنها معتقدند گذشته از تمام عواقب ناشی از جنگ های مداخله گرایانه به بهانه های مختلف، آنچه بیش از پیش تقویت می شود تقسیم جهان به دو قطب برنده و بازنده است که نتیجه آن تقویت گروه های تندرو و تروریستی است. چرا که طرف ضعیف تر که خود را در معرض تجاوز همیشگی می بیند، هر چه بیشتر به سمت نفرت از کل موجودیت طرف مقابل کشیده می شود و راهی جز دست زدن به ترور و خشونت پراکنده نسبت به طرف دار مقابل نمی یابد.

و اما دیدگاه مدافعان جنگ نسبت به امنیت جهانی نیز به نوبه خود قابل بررسی است؛ باز هم فارغ از مصالح و منافع پشت پرده سیاسی و اقتصادی دولت های حامی مبارزه و جنگ علیه تروریسم، حامیان این دیدگاه در عرصه افکار عمومی معتقدند به طور کلی استحکام و تداوم دنیای پیچیده و تو در توی سرمایه داری بیش از هر چیز نیازمند ثبات و آرامش است. همین امر کافی است تا احتمال تبدیل درگیری در یک منطقه به جنگی تمام عیار را به حداقل ممکن برساند. حتی کشورهای قدرتمند علی رغم تمام رقابت ها و اختلافات، بر سر صیانت و حفظ شرایط عقلانی و با ثبات برای رونق هر چه بیشتر بازارهای مالی و نیز سرمایه گذاری در کشورهای خود کاملاً

توافق دارند و همین انگیزه موجب می گردد که علی رغم شاخ و شانه کشیدن های بسیار، در نهایت از درگیری های فیزیکی جدا بپرهیز کنند.

کشورهای در حال پیشرفت نیز علی رغم تمام انتقادهایی که در سازمان ها و کنفرانس های مختلف نسبت به سیاست های ابر قدرت ها به ویژه آمریکا در رابطه با مسایل مختلف جهانی مانند بحران خاورمیانه دارند، اما به دلیل وابستگی های مالی هیچ گاه از حد جدال های دیپلماتیک فراتر نمی روند و نخواهند رفت و در حقیقت صلح و امنیت جهانی با جنگ علیه دولت های سرکش به خطر نخواهد افتاد. طرفداران این دیدگاه از سوی دیگر اظهار می کنند که در دهکده جهانی، همه کشورها خود را ملزم و متعهد به حفظ امنیت جهانی می دانند و در برابر هر گونه تجاوزی از سوی یک کشور حتی نسبت به همسایه خود واکنش نشان می دهند چرا که سکوت و بی تفاوتی در برابر هر گونه تجاوزی در هر نقطه ای از دنیا، در نهایت امنیت بین المللی را به خطر خواهد افکند.

به عنوان مثال در قضیه یوگسلاوی، تازمانی که ناتو به طور مستقیم و از طریق زور وارد عمل نشد، میلو سویچ، دیکتاتور صرب، دست از تجاوز و نسل کشی برنداشت. از طرف دیگر اگر کشوری که مورد تجاوز قرار گرفته از جامعه جهانی تقاضای کمک نماید، نمی بایست پاسخ ندهد. بشنود. یا به عنوان مثال در صورتی که اثبات شود کشوری آشکار یا پنهان از تروریسم حمایت می کند و یا مرتباً جوامع متمدن جهان را تهدید به حمله می نماید، مسلماً، حتی افکار عمومی نیز قانع خواهند شد که جامعه جهانی باید با چنین تهدیدهایی به طور جدی برخورد کند و این عمل اجتناب ناپذیر است. آنان استدلال می کنند که این

دخالت همیشگی نبوده و نیست. چرا که درگیری ها و حتی شبه جنگ های کوتاه مرزی بسیاری در نقاط مختلف جهان در حال روی دادن است. اما کشورهای قدرتمند جز میانجی گری، کار دیگری صورت نمی دهند. نمونه عینی آن درگیری های بسیار و پراکنده ای است که میان کشورهای آفریقایی روی می دهد و حتی درگیری های مرزی میان هند و پاکستان.

در نهایت آنان به جد معتقدند موضع گیری مطلق و بدبینانه از سوی مخالفان جنگ بدون در نظر گرفتن موقعیت ها و شرایط مختلف، امری منطقی به نظر نمی رسد و نیز از بین بردن و مقابله با دول سرکش و عصیان گرد در برابر نظم و ثبات جهانی در بلندمدت نه تنها موجب تقویت تروریسم نمی گردد بلکه استقرار نظام های جایگزین دموکراتیک در این کشورها در درجه اول باعث رهایی یک ملت از بند حاکمان سرکش و دیکتاتور می شود از سوی دیگر قدرت مانور تندروها و تروریست ها به دلیل عدم وجود دولت های حامی به حداقل می رسد. پس از آن محدوده امنیتی بسیار کوچک تری برای جولان خواهند داشت و سرانجام طرد و منزوی خواهند شد و نتیجه مثبت و فرعی نیز آن خواهد بود که سایر ملت های تحت حاکمیت های نامشروع، خود را در موضع بسیار قوی تری برای مبارزه و براندازی دولت غیر دموکراتیک مسلط بر خود می بینند. چرا که می دانند جامعه جهانی و مخصوصاً کشورهای قدرتمند از تلاش و مبارزه آنها علیه حاکمیت های مستبد خویش، حمایت جدی خواهند کرد و به دولت های خود سراجازه نخواهند داد که با طرفند های مختلف، افکار عمومی جهان را فریب دهند و همچنان نیز بر سریر قدرت باقی بمانند.

**آرامکس**  
**ARAMEX**  
 International Courier & Cargo  
 حمل و نقل هوایی بین المللی  
 تلفن : ۶۴۰۲۹۶۰ فاکس : ۶۴۰۴۳۹۶  
 E-mail: aramex\_tehran@hotmail.com  
 www.Aramex.com